

A Study of the Use of Restrictions and their Function in a novel “Do not Worry” by Mahsa Moheb Ali

Jassim Majeed Rasheed Salman

Assistant Lecturer - Department of Persian Language and Literature -
College of Languages - University of Baghdad

jaism.m@colang.uobaghdad.edu.iq

EVAN KAREEM SHNAWA ALFAILY

Instructor - Department of Persian Language and Literature - College of
Languages - University of Baghdad

evan.k@colang.uobaghdad.edu.iq

Copyright (c) 2024 (Jassim Majeed Rasheed, EVAN KAREEM SHNAWA.)

DOI: <https://doi.org/10.31973/2b3fq480>



This work is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

Abstract:

Mehsa Mohib Ali's novel "Don't Worry" is one of the most reliable novels in Persian literature. It is full of technical and rhetorical devices, and the eloquence of the Persian language is greatly expressed. In the Persian language, adverbs are one of the issues that have not been properly studied in the research literature and grammar. Adverbs are discussed and developed from several grammatical schools such as traditional, formalism, structuralism school, and contemporary school. All these schools have had different analyses and treatments of adverbs in Persian language. In this paper, adverbs, from the morphological and derivational perspectives and their role in the novel, and the way the adverbs play in sentences, will be examined thoroughly .

Keyword: adverb, transitive adverb, derivational adverb.

دراسة وتحليل استعمال القيود ووظيفتها في رواية (لا تعلق) لمهسا محب علي

م. ايفان كريم شناوه

م.م جاسم مجيد رشيد سلمان

جامعة بغداد . كلية اللغات . قسم اللغة الفارسية جامعة بغداد . كلية اللغات . قسم اللغة الفارسية

evan.k@colang.uobaghdad.edu.iq jaism.m@colang.uobaghdad.edu.iq

(مُلخَصُ البَحْث)

يعد القيد واحدا من أجزاء الكلام الذي عادة ما يدرس من جميع أبعاده المختلفة كالصرف والنحو والدلالة ونحن في هذا بحثنا الموسوم سوف نبحت القيد في رواية (نكران نباش) للكاتبة الإيرانية مهسا محب علي دراسة تحليلية صرفية . اشتقاقية وكيفية إيجاد القيد من تلك النواحي ودوره في عملية البناء التحليلي الصرفي . الاشتقاقي وماله من تداعيات على الرواية من تلك النواحي وايضا للقيد جذور ودراسات في مدارس اللغة الفارسية القديمة والحديثة. يعد من الموضوعات المعقدة والمهمة في الوقت نفسه لما لها اثر في اللغة الفارسية ولا يوجد لحد الآن دراسة جامعة لأبعاده وزواياه المبعدة عن أنظار أكثر اللغويين القدامى والمحدثين.

الكلمات المفتاحية: القيد، القيد التصريفي، القيد الاشتقاقي، رواية (نكران نباش) لا تعلق

بررسی و تحلیل کاربرد قید و عملکرد آن در رمان (نگران نباش) مهسا محبعلی

م.م جاسم مجید رشید سلمان

مربی دانشگاه

دانشگاه بغداد . دانشکده زبان . گروه زبان وادبیات فارسی

:e-mail jaism.m@colang.uobaghdad.edu.iq

استادیار ایفان کریم شناوه

دانشگاه بغداد . دانشکده زبان . گروه زبان وادبیات فارسی

e-mail : evan.k@colang.uobaghdad.edu.iq

چکیده:

رمان «نگران نباش» مهسا محب علی یکی از رمانهای معتبر در ادبیات فارسی و پر از معطیات فنی بلاغی و روان زبان فارسی عالی و بسیار از قید ساده وقیدهای تصریفی واشتقاقی به آن وجود دارد. قید کلمه یا گروه یا جمله در زبان فارسی بکار بیایید و آن بشکل صفت، مکان، مقدار، حالت، کیفیت وتاکید است و احياناً بجانشین اسم هم بیایید. قید از زبان فارسی یکی از مسایلی است که در مطالعات ادبیات ودستور زبان نویسی به شکل درست وشکل وافی نگرفته است، قید از چند مکتب دستوری بحث وتطور قید مانند(مکتب کلاسیک، مکتب صورتگرایی، مکتب دستور نویسی ساختگرا، مکتب دستور نویسی تاریخی ومکتب نو معناگرا) همه این مکتبهای شکل وبررسی مختلف وتوسعه از غیر آنها داشته است ودر این مقاله بعنوان قید از نواحی تصریفی واشتقاقی ونقش آن در رمان نگران نباش وچگونگی نقش قید در جملات وترتیب وپیدا کردن معنای ونقش جدیدی داشته است.

کلید واژه: قید، قید تصریفی، قید اشتقاقی، نگران نباش

المقدمة :

يعد القيد واحدا من أجزاء الكلام الذي عادة ما يدرس من جميع أبعاده المختلفة كالصرف والنحو والدلالة. ونحن في هذا البحث الموسوم بـ (عملية البناء التصريفي والاشتقاقية للقيد في اللغة الفارسية) ندرس لأول مرة العمليات التصريفية والاشتقاقية للقيد مع الأخذ بالحسبان إلى جوانبه البنيوية والدلالية في اللغة الفارسية . ونجد أن للقيود المشتقة في الفارسية ارتباطا جدا قريب مع كافة أقسام الكلام والروابط الصورية والدلالية المحفوظة مع أقسام الكلام . فاللغة لها النظام الفعال و

المنسجم الذي أصبح تطبيقها وسيلة ارتباط لإيجاد التغييرات الحاصلة في كل لغة. وقد أدرجت تدريجياً في مقولة علم اللغة، مطالعة وتوصيف الكلمات الجديد والوحدات المشتقة التي كانت من جملتها دراسة القيد في مجموعة الكلمات اللغوية. ومن هذا نجد أنهم قد وضعوا كلمات القيد المشتقة بشكل واسع في الصور المختلفة المرتبط بأجزاء الكلام والتي وجدناها قد ضمت ميداناً واسعاً من الروابط اللغوية.

ويتمتع التحقيق والبحث حول عمليات (التركيب والاشتقاق) بمكانة خاصة في اللغة الفارسية. ونجد أن علماء اللغة أمثال (كلباسي وصادقي وكشاني وباطني) وغيرهم قد أخذوا بتقديم آثارهم بدراسة ظواهر (التركيب والاشتقاق) في اللغة المعاصرة. ونود أن ننقل هنا قول بساق زاده،، (أن مقولة القيد واحدة من المباحث المعقدة والبحث المثير في اللغة الفارسية، ويعد هذا المبحث من أهم المباحث في اللغة الذي مع الأسف مازال غير معروف وإلى حتى الآن لا يوجد تعريف صحيح وجامع لأبعاده وزواياه المبعد عن أنظار أكثر اللغويين).

ندرس في هذا البحث دراسة وتوصيف عمليات (تصريف وتركيب واشتقاق) القيد في اللغة الفارسية، ونجد أن موضوع الكلمات المشتقة للقيد قد أخذت من إمكانيات (التركيب والاشتقاق) في كل لغة ونجدها مازالت لم تدرس بشكل جامع في ميدان علم اللغة. وتظهر دراسة المصادر العلمية وبحثها التي قد وجدت ضرورة تطبيق دراسة نظام وتوصيف الاشتقاق في اللغة.

مقدمه:

قيد یکی از اجزای کلام است که عموماً از ابعاد مختلفی همچون صرف، نحو ومعنا مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. در این مبحث برای نخستین بار، ساختهای اشتقاقی قید با نگرش بر جنبه‌های ساختاری ومعنای آن در زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفته است. قیود مشتق ارتباط بسیار نزدیکی با سایر اقسام کلام دارند و روابط صوری ومعنای خود را با اقسام کلام حفظ کرده‌اند. زبان دارای نظام پویا و منسجمی است که گویشوران آن با استقاده از زبان به عنوان یک ابزار ارتباطی سبب پدید آمدن تغییرات و نوآوری‌های زبانی می‌شوند. مطالعه و بررسی ویژگی‌ها و تغییرات حاصله در هر زبان، توجه بسیاری از پژوهشگران و زبان‌شناسان را به خود جلب کرده است. ضرورت جمع‌آوری، مطالعه و توصیف نو وازها و واحدهای مشتق، از جمله قید در گنجینه واژگان زبانی بتدریج در مقوله زبان‌شناسی درک شده است. از همین

رو ، واژگان قیدی در شکل‌های مختلف ارتباطات کلامی به گونه ای وسیع مورد استفاده قرار گرفته وگستره وسیعی از روابط زبانی را در بر گرفته اند . تحقیق و پژوهش پیرامون فرایندهای واژه سازی (اشتقاقی) از جایگاه ویژه ای در زبانهای فارسی برخوردار است . زبان شناسان فارسی مانند کلباسی ، صادقی و کشانی . با ارائه آثار خود به بررسی پدیده‌های واژه سازی زبان معاصر پرداختند . بساق زاده درباره مقوله قید می گوید : « یکی از مباحث پیچیده و بحث بر انگیز دستور زبان ، مقوله قید است . این مبحث از مهم ترین مباحث زبان بوده که متأسفانه ناشناخته باقی مانده و تعریف درست و جامعی از آن نشده است و به علاوه ، تعاریف موجود نیز کامل و طبقه بندی شده نیست و ابعاد و زوایای آن از دید بیشتر دستور نویسان دور مانده است » (مجله زبان: ۱۳۸۵: ص ۱۲) مطالعه و توصیف فرایندهای تصریف و واژه سازی قید در زبان فارسی ؛ موضوع واژه های مشتق قیدی که از امکانات واژه سازی در هر زبان بهره می برد تاکنون به طور جامع در حوزه زبان شناسی مورد بررسی قرار نگرفته اند ؛ مطالعه و بررسی منابع علمی نشان داد که ضرورت تطبیق ، بررسی نظام مند و توصیف ساخت اشتقاقی در هر زبان فرارسیده است .

تعریف قید :

قید کلمه‌هایی هستند که به صفت یا فعل یا قید دیگر افزوده شوند و مفهوم آنها را به چیزی از قبیل زمان ؛ مکان و یا حالت مقید سازند (مشکور: ۱۳۴۲ ص: ۱۱۴). یا بمعنای قید کلمه یا گروه یا جمله ای است که فعل یا صفت یا قید دیگر یا جمله ای را به چیزی از قبیل زمان ، مکان ، مقدار ، حالت ، کیفیت، تأکید و جز آن مقید کند و به طور کلی می توان گفت که قید برخلاف صفت ، به اسم و جانشین اسم چیزی نمی افزاید. (ر.ک شریعت: ۱۳۸۴: ص ۲۹۹) و به عبارت دیگر ، «قید کلمه ای که صورت ثابت دارد ؛ یعنی صرف ناشدنی است و آن به فعلی یا صفتی یا قیدی دیگر ، یا تمام جمله می پیوندد تا نکته ای را به مفهوم آنها بیفزاید» (خانلری: ۱۳۷۴: ص ۲۰۹) یا «قید کلمه ای است که برای مقید ساختن فعل یا شبه فعل یا قید وضع شده باشد و به عبارت دیگر بر معنای چیزی از قبیل زمان و مکان و کم و کیف و دیگر اوصاف فعل بیفزاید . در جمله ، می توان به جای قید ، مصدری از عامل آن گذاشت [که] موصوف به عین آن قید یا مرادف آن باشد ، بی آنکه تغییری در معنا حاصل شود . در

این نظر مقایسه « قید » با « وصف » روشن است ؛ زیرا به خوبی دیده می شود همچنان که وصف ، اسم را توصیف می کند ، قید نیز فعل را توصیف می نماید، منتها باین فرق کل اسم را توصیف می کند ولی جزء مستقل آن را که ماده و مصدر آن باشد «(خیامپور: ۱۳۸۴:ص ۸۸) اما دکتر شفاهی قید بمعنی « ظروف کلمات معنا دار هستند که برای علائم گرامری ویژه افعال (زمان ، مکان ، چگونگی و حالت ، مقدار ، سبب) و نیز برای علائم گرامری برخی صفات و ظروف دیگر در داخل ترکیب های وصفی و قیدی به کار می روند و هرگز با فعل و یا کلمه مورد استناد خود در حالت اضافه قرار نمی گیرند»(شفاهی: ۱۳۶۲:ص ۱۲۳) چنانکه که می بینیم ، قیود فقط افعال مقید نمی کند . اینکه بیشتر دستور نویسان قید را کلمه ای برای مقید کردن فعل نامیده اند برای متمایز کردن آن از صفت بوده است .

« ظروف علاوه بر اینکه برای بیان علائم گرامری ویژه افعال به کار می روند. برای بیان علامت گرامری صفات و ظروف دیگر نیز به کار می روند جمله نیز می تواند قید داشته باشد»(شفاهی: ۱۳۶۲:ص ۱۲۲) . اما شفاهی چنین می گوید : « بعضی از اقسام قید (قید مشترک) مانند قید حالت وصف ، قید کمیت ، به عنوان صفت هم می آید و برخی دیگر جزء نیز ادات و حروف نیز ذکر می شود (بعضی از قیود شرط ، استثناء ، نفی و تصدیق «(شفاهی: ۱۳۸۶:ص ۶۸) و در اینجا می بینیم که قید را این گونه را تعریف کرد : قید به کلمه ، ترکیب یا اشتقاق گروهی از معنا دار می گویند که مفهومی فعل (زمان ، مکان ، چگونگی ، حالت ، مقدار ، تشبیه ، تکرار و غیره) یا مشترک با صفت باشد یا صفت « یا گروه صفت » یا قیدی دیگر می افزاید . در اینجا می بینیم که قیود از نظر آوایی ، علامت شناسائی ندارند . و با کلمه یا فعل مورد استناد خود در حالت اضافه قرار نمی گیرند و از نظر شمار (مفرد و جمع) تغییر ناپذیراند.(صادقی: ۱۳۸۸:ص ۱۲۴) .

توصیف ساختار تصریفی قید :

در اینجا لازم است به چند یاد آوری توجه کنیم .

اول: باید بین مقوله دستوری (مقوله واژگانی) قید و نقش دستوری آن تمایز قائل شویم . مجموعه ای از واژه ها با توجه به ویژگی های زبانی ، زیر عنوان کلی « قید » قرار می گیرند و این واژه ها اگر در جمله ظاهر شوند نقش قید را بازی خواهند کرد ؛ مانند « اصلا ، ایدا ، تماما ، کاملا وغیره) .

دوم: « برخی از قیدهایی واژگانی با دیگر مقولات واژگانی از نظرهم آوا (homophon) هم نویسه (homograph) هستند ؛ یعنی واژه دیگر از نظر آوایی یکسان هستند ، ولی از نظر صرفی ، نحوی و معنایی متفاوتند ؛ مانند : « سریع ، بامزه ، باسرع ، بسختی ، به آهستگی وغیره) که در جمله می توانند صفت یاقید باشند» (اسلامی: ۱۳۸۸:ص ۱۲) به عنوان مثال در جمله های

۱- دانش آموز خوب درسش را خواند . بمعنی صفت آمده است .

۲- دانش آموز باید خوب درسش را بخواند . بمعنی قید آمده است .

۳- آدم بامزه معروف است . بمعنی صفت آمده است .

۴- شما بامزه سخن می گوئید . بمعنی قید آمده است

در اینجا می بینیم که در واژگان فکری آشکار دو معنی « بامزه و خوب » باید

باشد :

یکی مقوله قید و دیگری صفت .

سوم: برخی از واژه ها بامقوله غیر قید در جمله تنهاقیدی ایفا می کنند ؛ مانند :

۱- بغداد صبحگاهش گرم است .

۲- من در کارگاه هستم .

در اینجا می یابیم که در جمله های بالا « صبحگاهش ، درکارگاه » به

ترتیب اسم و گروه حرف اضافه ای هستند که در جمله نقش قید مکان ایفا می

کنند . به توضیحات بالا این نکته را نیز باید اضافه کنیم که تنها قیدهایی مدرج

تصریف می شوند. با در نظر داشتن توضیحات بالا در زیر می بینیم که قید

ساختار تصریفی بسیار ساده ای دارد :

قید + تکواژ ساز « تر » = ساختار تصریفی قید

مانند در جمله ها : من زودتر بیدار شدم . « تر » . فرایند ساختار قید

(ر.ک: اسلامی: ۱۳۸۸:ص ۱۳)

او سریع تر می دود .

سیستم واژه سازی قید در زبان فارسی :

در این بخش ابتدا اشاره ای کوتاه به فرایندها والگوهای واژه سازی قید در زبانهای فارسی خواهیم داشت و نشان خواهیم داد چگونه این قسم از کلام ساخته می شود . سپس ادامه ساختار قید را به اختصار بیان خواهیم کرد و آنگاه در پرتو آنها ، روشهای ساخت قید با استفاده از فرایند اشتقاق را بررسی خواهیم کرد . نظام واژه سازی قیود فارسی از فرایندهای اشتقاق ، ترکیب و ترکیب اشتقاق بهره می برد . روشهای ساخت قید از طریق پیشوند افزایی : بلا + درنگ بلا درنگ و پسوند افزایی : دلیر + انه دلیرانه ، در زبان فارسی کاربرد دارند و متعلق به فرایند اشتقاق هستند . طباطبائی « فرایند اشتقاق واژه های بسیاری فعال و زایا توصیف کرده و آورده است که از رهگذر این فرایند واژه های بسیاری ساخته شده اند . » (طباطبائی: ۱۳۷۶: ص ۱۵) زبان معاصر فارسی از ویژگی ترکیبی بسیار قوی برخوردار است .

طباطبائی در باره ترکیب می گوید : « در ترکیب برخلاف اشتقاق وند افزایی صورت نمی پذیرد بلکه دست کم دو تکواژ آزاد به یکدیگر می پیوندد و کلمه جدید می سازند » (طباطبائی: ۱۳۷۶: ص ۱۴) قیدهای : سر وقت ، سر انجام (اسم + اسم) از این نمونه اند . (کلباسی: ۱۳۹۱: ص ۳۸) ترکیب یکی از فرایندهای بسیار فعال و پر کاربرد در حوزه واژه سازی زبان فارسی به شمار می رود . ساختار قید اسم و صفت در زبان فارسی قیدها از نظر ساختار به ساده ، مانند : (زود و محکم و آهسته) ؛ یا ساختار مشتق ، مانند : سرعت ، دانشمندان ، خشمکین (یا ساختار مرکب مانند : (خوشحال ، هر دم ، گروه گروه) یا ساختار مشتق - مرکب مانند : (چند روزه ، دهساله ، افتان و خزان . (ر.ک: وحیدیان: ۱۳۹۲: ص ۱۱۱) منظور از روابط واژه سازی آن است که در نظام اقسام کلام روابط و ارتباط بسیار تنگاتنگی با یکدیگر دارند و در واژه سازی اقسام کلام دیگر مشارکت می نمایند . این بخش را بانکر این نکته به پایان می بریم که از آثار صاحب نظران زبان فارسی همچون فرشید ورد ، کشانی ، کلباسی می توان دریافت که در زبان فارسی نیز اقسام کلام مانند اسامی ، صفات ، افعال و اعداد در ساخت اشتقاقی قید مشارکت دارند . و می بینیم که پیکره اصلی واژگان قیدی را در زبان فارسی تشکیل می دهند و روابط واژه سازی باین قسم از کلام بسیار

فعال است. در اینجا می‌یابیم که فرایندهای ترکیب - اشتقاق و تکرار از جمله فرایندهای واژه‌سازی در زبان فارسی محسوب می‌شوند. اما از آن جا که پرداختن به این موارد با توجه به اهداف تعیین شده در بحث امکان پذیر نیست ما صرفاً به ارائه مثالهایی در این زمینه بسنده می‌کنیم و در ادامه به بررسی مبحث فرایند اشتقاق قید که موضوع اصلی این پژوهش است خواهیم پرداخت. مثال برای ترکیب - اشتقاق (ترکیب + پسوند افزایی) در زبان فارسی مانند: «افتان وخیزان، لنگ لنگان» مثال در جمله‌ها: (افتان وخیزان راه می‌رفت) (لنگ لنگان از دور آمد و ظاهراً خسته بود) اما مثال برای فرایند تکرار در زبانهای فارسی «فوج فوج، اندک اندک، گاه گاه، رفته رفته»: مثال در جمله‌ها: «گاه گاه یادی از بیماران می‌کرد». یا «اندک اندک زمان رفتن فرارسید» (ر.ک: وفایی: ۱۳۹۱: ص ۱۰۵-۱۰۶)

ساخت اشتقاقی قید در زبان فارسی:

در زبان فارسی اسامی، صفات، افعال و اعداد مبنا و پایه اصلی ساخت قید به کمک پسوند افزایی را تشکیل می‌دهند. قید مشتق از قید به کمک پسوند افزایی در زبان فارسی ساخته نمی‌شود. از ضمائر نیز قید مشتق از طریق پسوند افزایی به دست نمی‌آید. فرشید ورد ضمن اشاره به پسوندهای اشتقاقی قید ساز و صفت ساز می‌گوید: «پسوندهای صفت ساز، قید نیز بوجود می‌آورند؛ زیرا بیشتر صفات بیانی به صورت قید هم بکار می‌روند» (فرشید فرد: ۱۳۸۶: ص ۱۸۳). پسوندهای که به کمک اسم، قید می‌سازند عبارتند از: (وار، آسا، وش، کی، ان، انه، ی، و، ا)

پسوند «وار» مانند: سعدی دل روشنست صدف وار هر قطره که خود گوهر آورد.

پسوند «آسا» مانند: ماه و پروین از خجالت رخ فروپوشند اگر آفتاب آسا کند برشب روی تو

مشتق پسوند «وش» مانند: شمع وش پیش رخ شاهد یار دمبدم شعله زنان می‌سوزم

می‌بینیم که پسوندهای مذکور دلالت بر مفاهیم شباهت و همانندی دارند و زایا هستند (همان منبع: ۱۳۸۶: ص ۴۳۱-۴۴۵)

اما مشتقات پسوند « کی » معمولاً به زبان محاوره ای و کودکانه تعلق دارند و قید چگونگی می سازند . مانند : مشتق پسوند « کی » : - دزد + کی دزدکی (کشانی: ۱۳۷۱: ص ۵۳)؛^۱ اما پسوند دیگری که برای ساختن قید به کار می رود جزء (انه = naā) است . در فارسی دری پسوند (- انه) در ساخت کلمات فراوان به کار می رود و کار برد آن در دو مورد است :

۱- از صفتی که خاص انسان است کلمه ای می سازد که صفت « اسم معنی » یا غیر انسانی است مانند : «مرد دلیر» مرد دلیرانه یا « رفتار دلیر» رفتار دلیرانه .

۲- از صفت قید می سازد : - دلیر - دلیرانه گفت (خانلری: ۱۳۷۴: ص ۲۰۹) مثال صفت : « نصیحت مشفقانه او را نپذیرم . » (ر.ک: بیهقی: ۱۳۷۱: ص ۶۴)

مثال قید : کسی اندر جهان جاودانه نماند زگردون مرا خود بهانه نماند . (دهخدا: ۱۳۸۵: ص ۴۹۶)

مثال قید : علی عاقلانه رفتار کرد . در اینجا می بینیم که کلمه عاقلانه که به ترتیب متمم قیدی هست با برچسب متمم قیدی اسم به ترتیب وابسته فعل یار « رفتار » محسوب می شود

در اینجا می بینیم که بوسلیه مشتق پسوند فعال - « انه » اشاره به نسبت و شباهت دارد و برای ساختن قید و صفت بکار می رود . مانند : آن سرو نازنین که چو خوش می رود به راه و آن چشم آهوانه که چون می کند نگاه (فرشید ورد: ۱۳۸۶: ص ۳۲۷). گاهی پسوند مشتق « انه » + بن مضارع = قید ساخته می شود . مانند : رو + انه = روانه ، شناسانه .

کشانی ضمن بیان گستردگی ساختار مشتق پسوند - « ی » خاطر نشان می سازد در اینجا می بینیم که مشتقات قیدی پسوند - « ی » قادر هستند نقش صفت را نیز بازی کنند و بیانگر معانی : شباهت رفتار و یا عمل ، مقیاس و یا میزان ، زمان و تصغیر و... می باشند مانند : قالب - قالبی ؛ صبح - صبحی ؛ طفل - طفلی (کشانی: ۱۳۷۱: ص ۵۳).

اما به کمک مشتق پسوند « ا » قیدهای تتوین دار از کلمات عربی و فارسی ساخته می شوند و کلماتی که آخر شان تتوین نصب است تقریباً همه قیدند مانند رسماً ، اساساً ، اصلاً اتفاقاً . (فرشید ورد: ۱۳۸۶: ص ۲۰۹).

در اینجا می‌یابیم که «بسیاری از کلماتی که در عربی در حالت مفعولی هستند و در آخرشان علامت تنوین وجود دارد (یعنی واژگ « an » بانها اضافه شده است) در فارسی به عنوان قید بکار برده شود که در عربی بآن صورت نیامده باشد مثالهای زیر از جمله قیودی هستند که در فارسی بکاربرده می‌شوند. « (باطنی: ۱۳۹۲: ص ۱۷۲). مانند: احیانا، اتفاقا، نسبتا، فعلا، بغتتا، ظاهرا، کاملا، رسما و غیره.

پسوند مشتق « وار » پسوندهای که برای ساخت قید از صفت بکار می‌روند همان‌هایی هستند که برای ساخت قید از اسم به کار رفته‌اند و در معنی مشترکند. از همین رو به ذکر چند نمونه اکتفا می‌کنیم.

بدین دل گرفته است گستاخ وار بزر و بسیم اندرون خانمان
جان بکف برنه و دلیر آسا قصد این راه کن در او
ماسا (همان منبع: ۱۳۹۲: ص ۱۹۰-۱۹۸)

خوشبخت + انه - خوشبختانه (کشانی: ۱۳۷۱: ص ۳۴)
یواش - یواشی (کلباسی: ۱۳۹۱: ص ۱۱۸)
اما از فعل به کمک پسوند - « ان » قیدهای ساخته می‌شوند که بیانگر مفهوم فاعلی و بیان حال هستند:

بن مضارع + مشتق پسوند « ان » - خند + ان = خندان
بن مضارع + مشتق پسوند « ان » = دو + ان = دوان
بن مضارع + مشتق پسوند « ان » = لرز + ان = لرزان
(خیامپور: ۱۳۸۶: ص ۹۲)

اما مشتق پسوند « گانه » مانند: سه + گانه - سه گانه در اینجا می‌بینیم که قیدهای مشتق زبان فارسی تنها از اسامی و صفات، افعال و به طور ناچیزی از اعداد ساخته می‌شوند. تعداد پسوندهایی که در زبان فارسی به اسامی و صفات افزوده می‌شوند و قیود مشتق ۵ درصد می‌سازند. در زبان فارسی قید (به استثناء - ا) نشانه اختصاصی ندارد و پسوندهای قید ساز (ان - انه) می‌توانند بطور مشترک با اقسام کلام دیگر به کار روند.

اما پیشوند افزایی در ساخت قیود فارسی کاربرد دارد. پیشوند فعال « نا » - دلالت بر نفی چیزی دارد که از اسم، قید و صفت می‌سازد (فرشید

ورد: ۱۳۸۶:ص ۲۸۰). قیدهای مشتق مانند: «ناچار، ناگزیر» از این نمونه اند مانند: ناگزیر من امروز به اصفهان سفر می‌کنم.

از اسم به کمک پیشوند به - قیدهای مشتق ساخته می‌شوند: «به تدریج، به تفصیل». یا مشتق پیشوند «با» - به اسم افزوده می‌شود وقید می‌سازد. مانند: «با زور». رویینچیک معتقد به ساخت پیشوندی - پسوندی قید در زبان فارسی. وی می‌گوید: قیدهای مشتق «بزودی و خوبی» که از طریق اتصال همزمان پیشوند «به» - و پسوند «یای مصدری» به صفات ساخته شده اند، در شمار قیدهای پیشوندی - پسوندی قرار می‌گیرند. وی در اینجا شیوه جدیدی از ساخت قید در زبان فارسی را با عنوان پیشوندی - پسوندی مطرح می‌کند لیکن در هیچ یک از کتاب‌های دستور زبان فارسی به این مورد اشاره نشده است. «افزون بر پیشوندهای بالا، پیشوندهای «بلا ولا» که در واژه‌های عربی الاصل مشاهده می‌شوند در زبان فارسی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند پیشوندهای فوق معمولاً با اسم ساخته می‌شوند وقید (بلا درنگ - (بی درنگ، بی تأخیر، فوراً)، بلا دفاع - «بی دفاع، بدون دفاع» «بلا حد، بی اندازه» «بلا واسطه، بدون واسطه» «بلا قید، بدون قید و شرط»، «بلا فاصله بدون فاصله بی درنگ» («لا جرعه - بدون آشام» «لا جرم - لا بد لا محاله، ناگزیر» «لا حاصل - ناچار» «لاسیما خصوصاً. بخصوص. بویژه» می‌سازند(ر.ک: دهخدا: ۱۳۸۵:ص ۴۴۹-۴۵۳) این وندها در فارسی کار برد نسبتاً فراوان دارند ومعنی آن نفی است». نکته ای که لازم است مورد قرار گیرد وجود برخی از پیشوندهای زبان فارسی (بلا ولا) است که به طور قرضی از زبانهای دیگر وارد زبان شده است ودر واژه سازی قید مشارکت دارند. همان گونه که قبلاً متذکر شدیم در بخش پایانی این کار تحقیقی دست به یک تجزیه وتحلیل عملی (آماری - قیاسی) در سطح همزمانی زدیم به منظور دستیابی به نتایج مورد نظر، بیش از ۳۰۰ وساختمانهای قیدی در زبان فارسی را از زوایای مختلف همچون اجزای ساختمان کلمات (وندهای اشتقاقی)، ساختار کلمات (بسیط و غیر بسیط) وروشهای ساخت قید از اقسام کلام را مورد تجزیه وتحلیل قرار دادیم که یافته‌های برخی از آن در قالب نمودار به شرح ذیل ارائه خواهد شد. ما علاقمند بودیم که نمونه‌های بیشتری از نمودارها ذکر کنیم اما بنا به علت محدودیت جا، موفق به آوردن تمام آنها نشدیم. در مسیر تحقق

این مبحث به منابع دستوری و زبان‌شناسی گوناگونی مراجعه و از بسیاری از آنها بهره بردیم. برای گرد آوری این کلمات از منابع زیر بهره گرفته ایم: فرهنگ پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی، فرشید ورد، ساخت اشتقاقی واژه، کلباسی، اشتقاق پسوندی در زبان فارسی امروز، کشانی. فرهنگ لغت نامه. دهخدا. تجزیه و تحلیل صورت گرفته نشان داد که شمار پیشوندهای « ۵ » و پسوندهای « ۹ » در زبان فارسی است. ۷۳٪ قیدی مشتق زبان فارسی از طریق پسوند افزایی پدید آمده اند. در آنجا نمودار فراوانی ساخت قید را از اقسام کلام مستقل در بخش زبان فارسی توضیح می‌نماییم:

پیشوند + اسم	قیدی اشتقاقی
<p>مشتق « به » + اسم مشتق « به » + صفت + ی</p> <p>مشتق « بلا » + اسم مشتق « با » + اسم مشتق « لا » + اسم مشتق « نا » + اسم</p>	<p>به + تدریج = بتدریج به + خوب + ی = خوبی (برخی معتقد با افزودن پسوند «ی» مصدری به صفات ساخته شده اند در شمار پیشوندی و پسوندی قید مشارکت دارند قرار می‌گیرند) بلا + درنگ = بلا درنگ با + زود = با زود لا + محال = لا محال نا + گریز = نا گریز</p>
پسوند + اسم یا صفت	قیدی اشتقاقی
<p>بن مضارع + مشتق « ان » اسم + مشتق پسوند « انه » صفت + مشتق پسوند « انه » اسم + مشتق پسوند « وار » اسم + مشتق پسوند « ی » اسم تنوین دار + مشتق پسوند « ا » اسم + مشتق پسوند « ی » اسم + مشتق پسوند « کی » عدد + مشتق پسوند « گانه »</p>	<p>گری + ان = گریان عاقل + انه = عاقلانه خوشبخت + انه = خوشبختانه دیوانه + وار = دیوانه وار طفل + ی = طفلی اتفاق + ا = اتفاقا یواش + ی = یواشی دزد + کی = دزدکی دو + گانه = دوگانه</p>

در پایان این مبحث یک نکته مهم می آوریم که «تتوین خاص زبان عربی است و نمی توان به قیاس زبان عربی ، به کلمات غیر عربی اعم از فارسی ، ترکی ، مغولی ولاتین - تتوین داد ، در غیر این صورت کلمه غیر عربی تتوین دار (مُنون) غلط محسوب می شود ؛ برای مثال کلمات زیر در زبان فارسی تتوین گرفته اند در زبان معیار غلط محسوب شوند مثلاً {ناچارا ، زبانا ، گاه ها ، تلفنا ، دوما ، سوما ، نژادا وغیره} . در اینجا می بینیم که در زبان فارسی تمام کلمات تتوین دار (با تتوین ا) قید مختص هستند بنا بر این می توان آنها را به صورت قید فارسی بیان کرد ، برای مثال (گاهی ، تلفنی ، دومی اینکه ، سوم اینکه ، از نظر نژادی وغیره) و امروز هم می بینیم که کار برد کلمات عربی تتوین دار در خطا فارسی غلط نسیت ، اما در زبان معیار فارسی بهتر است به جای اینگونه کلمات ، واژه ها و ترکیبها ی فارسی قرار داد(ر.ک:نیکوبخت:۱۳۸۶:ص:۶۰-۶۱). مانند:

کلمات عربی مُنون	این کلمات به معیار زبان فارسی بهتر به
ندرتاً	بندرت
شدیداً	بشدت
غالباً	اغلب ، بیشتر
کلاً	بکلی ، به طور کلی
اخیراً	بتازگی
سریعاً	بسرعت
حتماً	به طور حتمی

چرا این نکته در اینجا می‌آوریم که ما اغلب زبان‌شناسان دستورهای زبان فارسی را از قبیل کلباسی، کشانی، فرشید ورد خسرو و دیگران در می‌یابیم که کلمات فارسی را به صورت تتوین عربی مانند «تلفنا، گاه» می‌نویسند و این امر در معیار زبان فارسی غلط محسوب می‌شود. یعنی در زبان پارسی ساخت واژه در قالب اشتقاق می‌باشد پس زبان پارسی با داشتن چنین عنصر که در امری واژه سازی از جایگاه ویژه‌ی بر خورد است از قدرتمندترین زبانهای جهان محسوب می‌شود. و این عنصر زبانی به تنهایی دارای کدام معنی نمی‌شود و هرگاه در آغاز و یا انجام کلمه‌های مستقل معنای قرار گیرد سبب ایجاد کلمه‌های جدید و یا مفاهیم جدید می‌گردد و بخش اشتقاق از راه «پیشوند و پسوند» قسمت می‌شود. و می‌یابیم که پیشوند‌های اشتقاقی که وظیفه اینها ساختن اشتقاق واژه‌های جدید است و مفهوم پیشوند‌های فعلی که وظیفه اینها ساختن افعال جدید از دیگر واژه‌ها و افعال می‌باشد و پیشوند‌های متروک می‌باشد که فعلا مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و بعضی از آن بسیار کم‌فعالند و دیگر این پیشوند‌های متروک اکنون در زبان فارسی نامتداول است. اما بخش دوم و ندهای پسوند‌های اشتقاقی می‌باشد که این پسوند‌های مورفیم‌های بسته بوده که انجام واژه‌ها چسبیده و سبب ایجاد واژه‌های جدید می‌گردد و می‌بینیم نقش اصلی پسوند در این متجلی می‌شود که پسوند یک عنصر واژه ساز است. یعنی در اینجا پسوند‌های تصریفی و پسوند‌های اشتقاقی قیدی و پسوند‌های تشخیصی و نیز پسوند‌های متروک، و پسونده‌وارها اسمی و فعلی و پسوند‌های سازنده اسم فعل. امروز در اثر پیشرفت تکنولوژی علمی و صنعتی شدن جامعه زبان فارسی بیشتر نیازمند واژه‌های جدیدی می‌باشد تا از داخل شدن واژه‌های خارجی در زبان جلوگیری به عمل آید که از عهده چنین کاری و ندها برآمده می‌تواند و ندهای باعث غنی‌تر شده زبان فارسی می‌گردد و یا ایجاد سدّ محکمی زبان پارسی را از هجوم اصطلاحات بیگانه تا حدودی زیادی مصئون نگاه می‌دارد.

در این مقاله بحث و بررسی در قیده‌های تصریفی و اشتقاقی در رمان یکی از مشهورترین نویسندگان رمان و مجموعه داستان و منتقد ادبیات ایران به نویسندگان نسل سوم ادبیات داستانی محسوب می‌شود (مهسا محب علی) تولدش در تهران سال ۱۳۵۱ هـ. کارهای ادبی تا اکنون فعالیت دارد همسرش حسین ذوقی. وی دارد بسیار از کارهای ادبی (صدا-

عاشقیّت در پاورقی - نفرین خاکستری - نگران نباش - وای خواهم ساد (و غیره از داستان ورمّان ومنتقدهای ادبی داشته است .

مثل و کاربرد تطبیقی در رمان نکران نباش وچطور در ان رمان بکار رفته است:

یک کم عاقلانہ رفتار کن - قید اشتقاقی (محب علی: ۱۳۷۸: ص ۵۲)

می دانم انتظار زیادی است - قید اشتقاقی (همان : ص ۵۲)

دو باره زیر بغلش اشکان را می گیرم - قید تصریفی (همان : ص ۵۲)

چند بار محکم بچه را توی بغلش فشار می دهم تا بلاخره دستش هایش را دور کمر بچه حلقه می کند. (همان : ص ۵۴) در این جمله نویسنده چند قید گوناگونی بکار رفته است یعنی قید تصریفی وقید اشتقاقی در خود جمله بکار رفته وآن دلیل قوت وتمکنش از استفاده از قیدهای کند.

اگر یک کم زودتر زده بودم بیرون الان موبایل به دست در حال گریه کردن. (محب علی : ۱۳۷۸ : ص ۵۲). قید در این جا که مرکب وتصریفی آورده است.

کمی گرما وحرکت زیر انگشت هایم حس می کنم. (همان : ص ۵۳) قید اشتقاقی وقید تصریفی در یک جمله به وجود آورده است.

دکمه های مانتو جابه جا افتاده وطرف چپ یک وجب کوتاه تر از طرف راست است. (همان : ص ۴۹) اینجا هم قید ترکیبی وقید اشتقاقی آورد وعبارت دیگر تعبیر کرده است.

حتما از همان اولین لرزه ها بیدارش کرده اند.(همان : ص ۴۹) قید اول تصریفی وقید دوم اشتقاقی است.

چه قدر خوب است. (همان : ص ۴۷) قید تصریفی

جلو وعقب می روم (همان : ص ۴۷) قید تصریفی بیان حال است.

لاابد. آنقدر. اقلا. اصلا. حتما (همان : ص ۴۲) در این متن چند قید تصریفی استفاده کرد.

حوصله ی ناله وزاری هم ندارم. (همان : ص ۴۰) قید اشتقاقی است.

هیچ جا - چه قدر - همین جا - امروز آگاهی (همان : ص ۲۵) قید ترکیبی واشتقاقی با تناسق الفاظ ومحسوب ومحسوس آورده است.

پاهایم عقبکی می روند (همان : ص ۲۰) قید اشتقاقی

مامان ملوک بهم لیخند می زند(همان : ص ۲۰) قید اشتقاقی

بالا وپایین می برم(همان : ص ۲۰) قید ترکیبی

جلو وعقب می برم (همان : ص ۲۰) قید ترکیبی

نصفه شبی بچه ها رو زابه راه کردین (محب علی : ۱۳۷۸ : ص ۱۹) قید ترکیبی.

داد زده و حالا دارد باز غمگین نگاهم می کند. (ص ۱۷) قید اول تصریفی و دوم

اشتقاقی تعبیر با حالت است.

در این متن چند قید صرفی و اشتقاقی ترکیبی ذکر کرد « دلک بازی الان فقط

دلک بازی حالش را جا می آورد. بالا سرش می ایستم ، پاشنه هایم را به زمین می کوبم ،

بازوهایم را بالا می برم و آرام چرخ می زنم. مثلا فلامنکو می رقصم هق هق می کند

و شانه هایش می لرزند. صدایم را کلفت می کنم و ادای خواننده ی گروه کیوسک را در می

آورم» (محب علی : ۱۳۷۸ : ص ۱۰۸)

منابع :

۱. اسماعیل صادقی ، ۱۳۸۸ هـ . ش / تعریف اسم ، صفت و قید در دستور زبانهای سنتی فارسی ، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، سال چهارم ، ۱۴ ، ۱۵ .
۲. اسلامی دکتر محرم ، ۱۳۸۸ هـ . ش / لمجیری صدیقه ، علیزاده ، مقاله به عنوان (ساختار تصریفی کلمه در زبان فارسی) زبان و ادب فارسی نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، شماره ۲۱۱ .
۳. باطنی ، محمد رضا ، ۱۳۹۲ هـ . ش / توصیف ساختمان دستور زبان فارسی ، مؤسسه انتشارات کبیر ، تهران .
۴. بختیار ، پرویز صالحی ، ۱۳۹۰ هـ . ش
۵. دستور زبان فارسی ، بی تا
۶. بساق زاده ، ۱۳۸۵ هـ . ش / قید از دیدگاه دستور نویسان کهن ونو « مجله زبان و ادبیات فارسی » دانشگاه آزاد اسلامی شماره سوم .
۷. بیبهقی دبیر ، خواجه ابو الفضل محمد بن حسین ، ۱۳۷۱ هـ . ش / بکوشش ، دکتر خلیل خطیب رهبر ، استاد دانشگاه تهران ، چاپخانه آفتاب ، ۵ ، انتشارات مهتاب .
۸. خانلری . پرویز ناتل ، ۱۳۸۲ هـ . ش / دستور تاریخی زبان فارسی ، به کوشش عفت مستشارینا ، انتشارات توس ، چاپ ۵
۹. خیامپور ، عبد الرسول ، ۱۳۸۴ هـ . ش / دستور زبان فارسی . انتشارات اساطیر ، چ ۸ .
۱۰. دهخدا ، لغت نامه ، ۱۳۸۵ هـ . ش / فرهنگ متوسط دهخدا ، به کوشش دکتر غلامرضا ستوده - دکتر ایرج مهرکی واکرم سلطانی ، مؤسسه لغت نامه دهخدا ، انتشارات دانشگاه تهران ، چ ۱ .
۱۱. - شریعت ، محمد جواد ، ۱۳۸۴ هـ . ش / دستور زبان فارسی ، انتشارات اساطیر ، چ ۸ .
۱۲. شفاهی ، احمد ، ۱۳۶۲ هـ . ش / مبانی علمی دستور زبان فارسی ، چ ۱ .
۱۳. شفیع ، محمود ، ۱۳۹۹ هـ . ش / (طرح تقسیم کلمه در دستور زبان فارسی ، سومین کنگره تحقیقات ایرانی ، ج ۲ .

۱۴. شفاقی، ویدا، ۱۳۹۱ هـ. ش / مبانی صرف واژه، سازمان مطالعه کتب علوم انسان دانشگاهی (سمت) تهران .
۱۵. طباطبائی، ۱۳۷۶ هـ. ش / فعل بسیط وواژه سازی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی .
۱۶. کشانی خسرو، خسرو، ۱۳۷۱ هـ. ش / اشتقاق پسوندی در زبان فارسی امروز، مرکز دانشگاهی، چ ۱ .
۱۷. کلباسی، ۱۳۹۱ هـ. ش ساخت اشتقاق واژه در زبان فارسی امروز، پژوهشگاه انسانی ومطالعات فرهنگی، تهران
۱۸. مشکور، محمد جواد، ۱۳۴۲ هـ. ش / دستور زبان فارسی تهران .
۱۹. نیکویخت، دکتر ناصر، ۱۳۸۶ هـ. ش / مبانی درست نویسن زبان فارسی معیار، چ ۱، تهران، پاییز .
۲۰. وحیدیان وعمران، ۱۳۹۲ هـ. ش / دستور زبان فارسی « ۱ » تهرلن، سازمان مطالعه وتدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی (سمت).
۲۱. وفایی، دکتر عباسعلی، ۱۳۹۱ هـ. ش / دستور زبان فارسی، سازمان مطالعه وتدوین علوم انسانی (سمت) تهران .
۲۲. - فرشید ورد، خسرو، ۱۳۸۶ هـ. ش / فرهنگ پیشوندها وپسوندهای زبان فارسی، تهران : انتشارات زوار .
۲۳. مهسا محب علی، ۱۳۸۷ هـ. ش / نگران نباش، داستانهای فارسی قرن ۱۲ سال چاپ .